



پیش شرط یک جامعه توسعه یافته کودک پرسشگر است

سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: اصلاً گزارف نیست اگر بگوئیم یکی از پیش شرط های جامعه توسعه یافته وجود کودکان پرسشگر و اندیشه ورز است.

سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: اصلاً گزارف نیست اگر بگوئیم یکی از پیش شرط های جامعه توسعه یافته وجود کودکان پرسشگر و اندیشه ورز است.

نشست «قلب آموزش کارآمد؛ پرداختن به دغدغه های کودک» عصر روز گذشته (چهارشنبه ۱۵ مهرماه) به مناسبت روز جهانی کودک در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم سعید ناجی، عضو هیئت علمی کارگروه فیک در پژوهشگاه ضمن عرض خیرمقدم به حاضرین از حسینعلی قبادی، سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دعوت کرد تا به عنوان اولین سخنران این نشست، صحبت کند.

قبادی ضمن تبریک به مناسبت روز جهانی کودک گفت: ما وقتی برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه را تنظیم می کردیم برای گروه فیک جایگاه ممتازی را تعیین کردیم و به نظرم وجود این گروه در پژوهشگاه یکی از امتیازهای آن به شمار می آید چون یک حرکت نوآورانه و پیشتاناز است که می تواند تأثیر به سزایی در نظام آموزشی داشته باشد.

وی افزود: بدون تعارف می گویم که ما در آموزش و پرورش به کودکان، بسیار فقیریم و لازمه پیشرفت و بهبود در این حوزه ورود آموزش فلسفه برای کودکان است و اصلاً گزارف نیست اگر بگوئیم یکی از پیش شرط های جامعه توسعه یافته وجود کودکان پرسشگر و اندیشه ورز است. اگر برای ما به عنوان یک ایرانی توسعه یافتگی مهم است باید روی فیک تمرکز بیشتری شود.

سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: احتیاج و ضرورت توجه به فیک زمانی بیشتر می شود که می بینیم توجه به کودک و زبان او در تمدن چندین هزار ساله هم وجود داشته است. تولد رستم در شاهنامه، یا این شعر مولوی که می گوید «چون که با کودک سر و کارت فتاد/ پس زبان کودکی باید گشاد» مصداق همین صحبت است. بنابراین کودکی یک اصل و پدیده است که باید به آن توجه کرد.

قبادی با تأکید بر اینکه فیک سرمایه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است، گفت: فیک بهترین منبع برای اصلاح سیستم آموزش و پرورش است و به جرأت می توانم بگویم که از گروه فیک منسجم تر و فکری تر در ایران وجود ندارد. این گروه همچنین منطقی ترین پیوند را با تحول علوم انسانی در کشور دارد.

پس از سخنرانی قبادی از ۱۷ عنوان کتاب در حوزه «فلسفه برای کودکان» با حضور سعید ناجی، کریم مجتهدی، سید جلیل شاهی لنگرودی، روح اله کریمی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رونمایی شد.

بخش دوم این نشست شامل سخنرانی اساتید حوزه فلسفه برای کودکان با موضوع «نگاهی به وضعیت محتواهای درسی برنامه فلسفه برای کودکان در ایران» بود. اولین سخنران این بخش مهرنوش هدایتی از اعضای کارگروه فیک و نویسنده «آیا کودکان قادر به فلسفه ورزی هستند» بود. وی گفت: در مقابل فعالیت های فیک چالش ها و انتقادات مختلفی وجود دارد؛ مثلاً یکی از این نقدها و مقاومت ها این است که فیک روش محور عمل می کند ولی به نظرم کاملاً برعکس است چون اگر فیک روش محور بود کافی بود که فقط تعدادی مربی دوره ببینند و دیگر احتیاجی به تأمین محتوا و نوشتن نبود ولی لیپمن کتاب نوشت و براساس کتاب هایش برنامه نوشت.

هدایتی افزود: لیپمن در کتاب «ناتاشا» یک دستورالعمل دوصفحه ای برای متون کتاب های فیک ارائه داده و گفته است: متن ارائه شده در حلقه کندوکاو باید بازتابی از آرای تاریخ فلسفه باشد ولی کودک نباید متوجه شود که این حرف ها را کانت، هگل و یا نیچه گفته است به عبارتی متن باید ارائه دهنده الگوی کندکا و فلسفی باشد.

عضو کارگروه فیک ادامه داد: از نظر لیپمن متن، واسطه میان فرهنگ و شخص است. متن باید ارتباطات را انتقال بدهد یا به عبارتی یک ارتباط منطقی داشته باشد. مثلاً لیپمن می گوید که ما هیچ وقت نفهمیدیم که چرا در مدرسه زنگ اول ریاضی داشتیم و بعد هنر و زبان و... یعنی از نظر او بین این ها باید ارتباط وجود داشته باشد. علاوه براین، متن باید قابل تحلیل باشد و با صدای بلند خوانده شود. متن باید برانگیزاننده خوب و مفهوم قابل چالش داشته باشد.

وی در پایان گفت: در پایان اینکه لیپمن نه تنها از پرداختن مفاهیم فلسفی فراری نیست بلکه به آنها تأکید هم می کند و می گوید که هیچ اشکالی ندارد اگر از صحبت ها و حرف های فلاسفه در متون استفاده کنیم به شرطی که آنها را درست به بچه ها ارائه دهیم.

سخنران بعدی این پنل، زهرا پارساپور، رئیس پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود. پارساپور با تأکید بر استفاده از داستان برای آموزش فلسفه برای کودکان گفت: هر داستان یک فکر گسترش یافته است و هر داستانی علاوه بر گر افکنی که می کند یک گر افشایی هم انجام می دهد.

وی در پاسخ به این سوال که آیا داستان های کهن ما شایستگی این را دارند که در فیک استفاده شوند یا خیر، توضیح داد: ما

می‌توانیم از بسیاری از داستان‌های کلاسیک و کهن خود برای آموزش فلسفه برای کودکان استفاده کنیم به شرطی که آنها را درست‌گزينش کنیم چون بسیاری از داستان‌های قدیمی ما در توضیح و توصیف ضعیف هستند. ولی اگر برخی از آنها که این ضعف را ندارند استفاده کنیم زمینه را برای فکرکردن و همدلی کودک با داستان آماده می‌کنیم.

پارسا پور افزود: یکی دیگر از ضعف‌های متون ما یکسان بودن لحن در آن‌هاست در حالی که یکسان سازی لحن‌ها به یکسازی شیوه تفکر می‌انجامد و این اتفاق خوبی نیست. بنابراین بهتر است از متونی برای آموزش فلسفه برای کودکان استفاده شود که لحن شخصیت‌ها در آن با یکدیگر متفاوت است.

لیلا حبیبی نویسنده «داستانی برای کندوکاو» دیگرسخنران این پنل بود که در خصوص اقدامات فیک سخنرانی کرد. وی گفت: اقدامات فیک به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود؛ دسته اول تألیفاتی است که در این حوزه صورت گرفته است، دسته دوم کارهای گزینشی و گردآوری شده برای حلقه کندوکاو و دسته سوم بازنویسی یا بازآفرینی داستان‌های کلاسیک است.

وی افزود: داستان‌های فیک برای فیک نوشته می‌شود باید ویژگی عمومی داستان‌های کودک یعنی ارزش ادبی را به همراه کفایت فلسفی داشته باشد. کندوکاو پذیری از دیگر ویژگی‌هایی است که این داستان‌ها باید داشته باشند. ضمن اینکه این داستان‌ها نباید بار تلقینی یا آموزشی داشته باشند چون قرار نیست به بچه‌ها موضوعی انتقال داده شود بلکه قرار است که آنها مسیر تفکر را یاد بگیرند.

حبیبی ادامه داد: داستان‌های تألیفی موجود یا سریال‌گونه‌اند یا تصویری و یا داستان‌هایی که حلقه کندوکاو را شبیه‌سازی می‌کنند. این کتاب‌ها از لحاظ ادبی خوب هستند ولی نتوانستند اهداف فلسفی را به درستی دنبال کنند و به عبارتی مسیر فکری درستی را در پیش نگرفتند. ضمن اینکه بسیاری از این داستان‌ها به لحاظ فنی و ادبی ایراد دارند و دارای ابهام هستند و باید حتماً ویرایش شوند.

این مولف حوزه فیک اضافه کرد: متأسفانه بسیاری از مولفان فیک از روی سهل‌انگاری این آثار را نوشتند و انگار فقط قصدشان این بوده که یک داستان بازنویسی کنند در حالی که داستان‌های کلاسیک گنجینه عظیمی از ایده‌ها را در اختیار ما قرار می‌دهند به شرطی که به درستی بازبینی و بازنگری شوند چون استفاده خام از داستان کلاسیک ممکن است ما را به دردسر بیندازد. پس از این پنل، پنل «کودکان دیروز، متفکران امروز» با حضور شاگردان کلاسهای فلسفه برای کودکان، خانواده‌های آنان و مربیان‌شان برگزار شد.

آخرین پنل این نشست به سخنرانی حسین شیخ‌رضایی، سعید ناجی و روح‌الله کریمی اختصاص داشت که به دلیل کمبود وقت، ناجی و کریمی از سخنرانی انصراف دادند و شیخ‌رضایی به عنوان آخرین سخنران این نشست در مورد کتاب‌های تصویری صحبت کرد.

وی گفت: صحبت من در خصوص کتاب‌های تصویری برای بچه‌هاست ولی پیش از ورود به بحث باید بگویم که بین کتاب تصویرشده و کتاب تصویری تفاوت وجود دارد؛ کتاب تصویرشده به کتاب‌هایی می‌گویند که دارای تصویرباشد حالا این کتاب‌ها می‌توانند مثلاً کتاب درسی تصویردار باشد ولی کتاب تصویری به کتابی می‌گویند که درآنها تصویر نقش سازنده ای دارد.

شیخ‌رضایی افزود: لیپمن و همکارانش به نوشتن کتاب‌های تصویری اعتقاد نداشتند و گفتند تعمداً کتاب‌هایی نوشتیم که در آنها تصویر نباشد چون به عقیده او جهانی که در داستان وجود دارد، جهان ایمنی است، بنابراین کودک در مواجهه با این کتاب‌ها با خطر کمتری مواجه می‌شود و به اصطلاح دنیای پاستوریزه تری است در حالیکه کتاب‌های تصویری چنین نیستند. علاوه بر این دادن عنصر بصری خلاقیت کودک را سلب می‌کند. چون وقتی به کودک تصویر می‌دهید در واقع خلاقیت را از او می‌گیرید و محدودش می‌کنید اما خانم جوانا هینز و همکارانش برعکس لیپمن فکر می‌کنند.

این مدرس و مترجم حوزه فلسفه ادامه داد: خانم هینز و موریس اعتقاد داشتند که اتفاقاً برای آموزش فلسفه برای کودکان باید به سراغ کتاب‌های تصویری رفت چون کودک واقعی بیش از اینکه حرف بزند کار انجام می‌دهد و عمل می‌کند. به عقیده او لیپمن اشتباه عجیبی کرده که گفته وقتی تصویر بدهیم تخیل را از کودک می‌گیریم چون ما معنا را می‌سازیم و به متن نسبت می‌دهیم. معنایی که ما به تصویر نسبت می‌دهیم بستگی به تعامل بین متن و تصویر دارد.

وی در پایان گفت: نکته جالب در مورد کتاب‌های تصویری این است که درکتاب‌های تصویری دوجهان مختلف کنارهم هستند؛ جهان متن یک جهان خطی است که باید آن را خط به خط خواند در صورتی که جهان تصویر غیرخطی است و ما تصویر را گزینشی می‌بینیم. تضاد بین این دو جهان نقطه شروع فلسفی می‌تواند باشد. به عبارت دیگر شکاف بین متن و تصویر می‌تواند بالقوه آغاز یک بحث فلسفی باشد.